

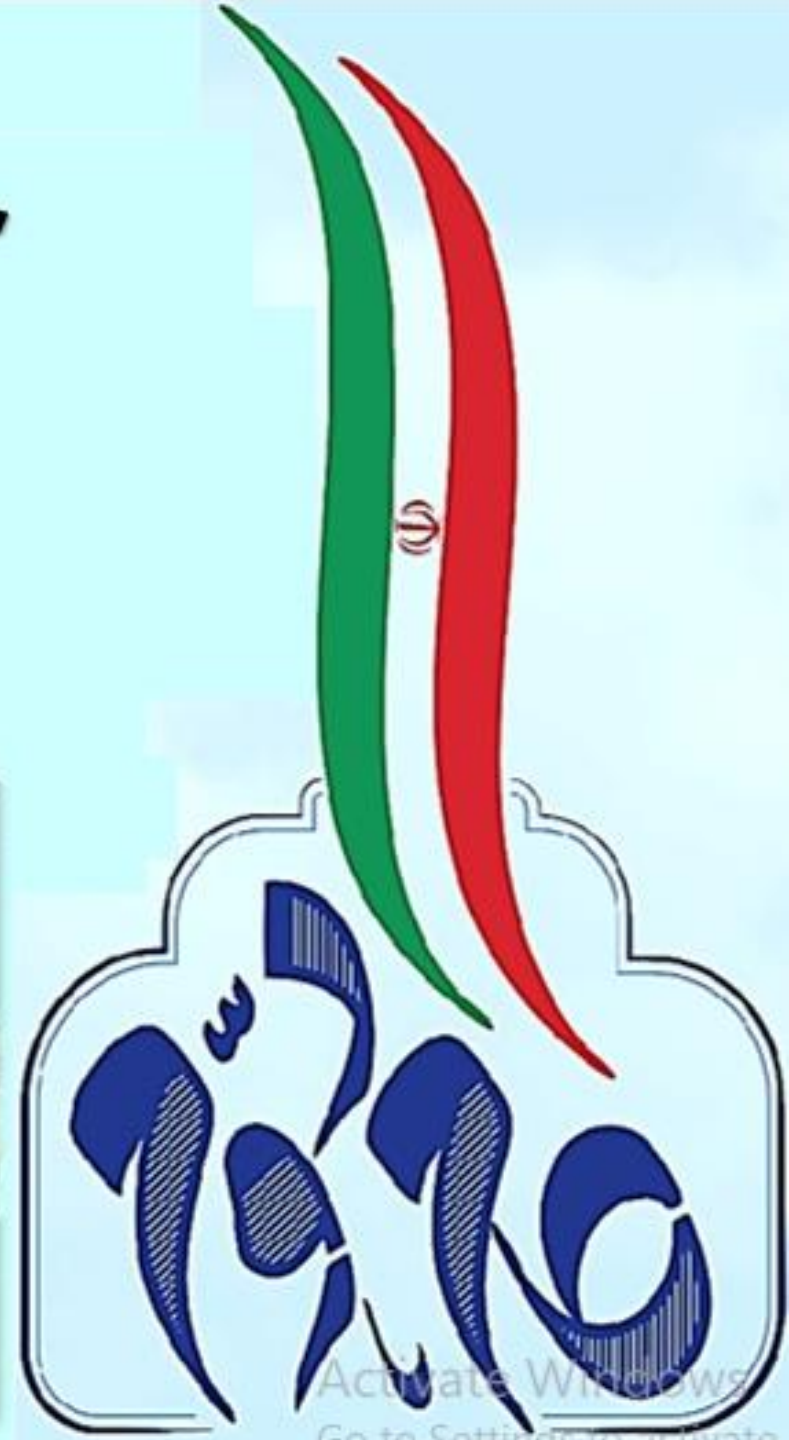
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فَهْمَانِ تَفْسِيرِي  
 فَهْمَانِ قُرْآنِي  
 أَهْلُ سَعْدِ حَاهَانِ  
 فَجَلِّي بِالتَّزْوِيلِ أَهْوَاهَهُ  
 وَ يَرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَ يَتَّبِعُونَ حَاسِ  
 الزَّجْجِ بِعَدِّ الصَّبُوحِ  
 حَوَاقِفُ عَمَلٍ لَوْ لَيْكَ  
 أَلَلَّمْ



جریان شناسی گفتمان  
مبانی انقلاب  
در گام دوم انقلاب





# مرور سریع بیانیه گام دوم انقلاب



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ بیانیه‌ای مهم و راهبردی صادر کردند. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR مهمترین بخش‌های این بیانیه را در این مطلب مرور می‌کند.

## سرگذشت چهل ساله‌ی انقلاب اسلامی

هیچ تجربه‌ای  
در برابر ما وجود  
نداشت.

ترکیب جمهوریّت و  
اسلامیّت نخستین درخشش  
انقلاب بود.

عظمت پیشرفتهای چهل ساله‌ی ایران آنگاه بدرستی دیده  
میشود که با مآذنه‌های مشابه در انقلابهای بزرگی چون فرانسه  
و شوروی و هند مقایسه شود.

تقابل دوگانه‌ی «اسلام و استکبار»  
پدیده‌ی برجسته‌ی جهان  
معاصر شد.

همه چیز  
علیه‌ما  
بود.





جریان شناسی از نقشه استکبار  
در  
تغییر مبانی انقلاب اسلامی

حقیقتی تلخ

شعار بنیادین

انقلاب

نه شرقی - نه غربی

۹۶/۰۶/۳۰

سیاستی شوم

تحریفی سوء



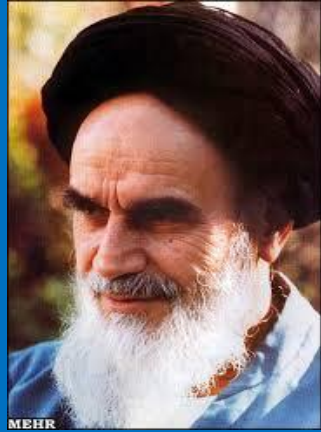
## مطالبه مهم دیگر

# تبدیل کردن عناوین مهم اساسی انقلاب به گفتمان



- وقتی شما در مورد یک عنوانی از این عناوین مهم اساسی انقلاب به یک نتیجه‌ای رسیدید، **این را باید تبدیل بکنید به گفتمان**؛ [مثلاً] در نشریه منتشر بکنید. شما جمعیت زیادی هستید؛ عده‌ی کثیری از آقایان، ائمه‌ی جمعه هستند یا شخصیت‌های برجسته‌ی استانها هستند یا در مرکز هستند، دارای منبر هستند، میتوانند با مردم حرف بزنند و مخاطب قرار بدهند مردم را؛ **تکرار بکنید، بگویید، تا گفتمان بشود**. گفتمان یعنی آن فکر رایج بین مردم، مطالبه‌ی عمومی مردم. وقتی یک چیزی مطالبه‌ی عمومی شد و گفتمان شد، به‌طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد. این قضیه هم همین‌طور [است]؛. باید این قدر این گفته بشود، استدلال بشود، تبیین بشود، تکرار بشود که به‌صورت یک گفتمان قطعی دربیاید.





# نه «شرقی» نه «غربی»

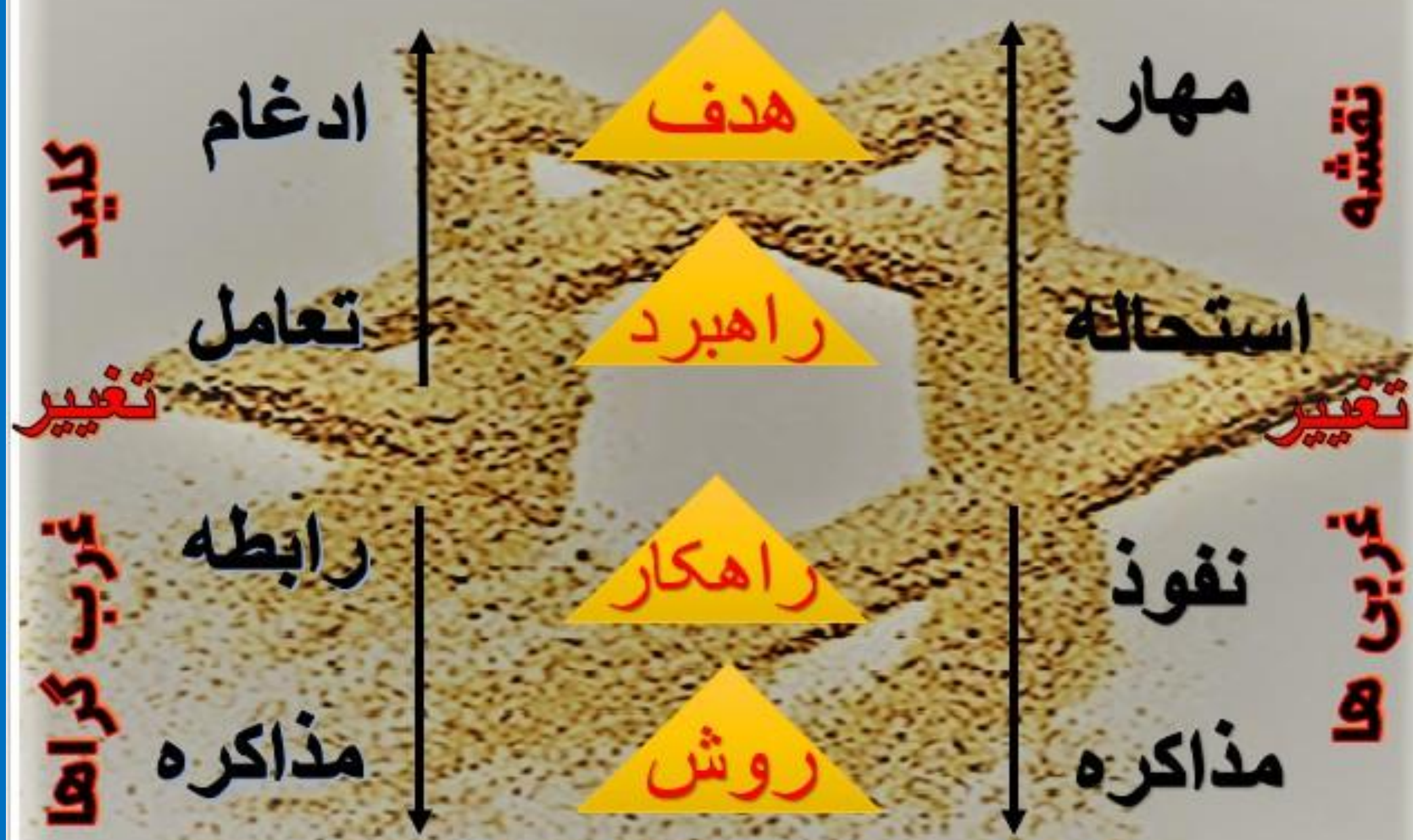
از عناوین مهمّ این انقلاب، **انقلاب** «نه شرقی، نه غربی» بود؛

امروز [بلوک] شرق وجود ندارد، [ولی] غرب وجود دارد با **کمال قوت و قدرت** .

«نه غربی» یعنی چه؟ یعنی ما مجذوب غرب نباشیم، تحت تأثیر غرب نباشیم، پذیرای فرهنگ غربی نباشیم، ملحق به غرب نباشیم، مطیع و منقاد نسبت به غرب نباشیم. **غرب**، کجا است؟ آمریکا، اروپا است؛ دولتهای **[غربی]** یک فرهنگی دارند، یک سیاستی دارند، یک **نقشه‌ی راه طولانی و کلانی** دارند؛ و ما به عنوان جمهوری اسلامی وظیفه داریم خودمان را از اینکه بیفتیم در مسیر مورد خواست **غرب** نجات بدهیم؛ این یک **وظیفه** است. آیا این وظیفه را تا حالا انجام داده‌ایم یا نه؟ چقدر انجام داده‌ایم؟ کجاها انجام داده‌ایم؟

اگر در مواردی انجام نگرفته است، **مشکل** کجا است؟ براساس شناخت آن مشکل، مطالبه برای [مجلس خبرگان] به وجود می‌آید. این مطالبه ممکن است از این حقیر، از دولت، از قوه قضائیه، از سپاه، از مجلس [باشد]؛ یک **مطالبه‌ای** بر این اساس به وجود می‌آید.





يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا  
بِأَفْوَاحِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ  
آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ  
وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ  
الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

عَظِيمٌ  
(المائدة ٤١)



پنج مبنای قرآنی امام راحل ٫

که زیر بنای نهضت و اساس انقلاب و گفتمان خود را با آنها

شکل داد به سر نوشت غم بار تغییر گرفتار شدند

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا

يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ

بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (أعراف ١٤٦)



شرقی ها با «۲ کلید واژه» افکار عمومی را اداره می کردند :

## برابری و لایخدایی

۱. پرولتاریا (نژادپرستی- تبعیض نژادی)
۲. امپریالیسم (سرمایه داری- شکاف طبقاتی)

مبارزه :

کلمه حق یراد بها الباطل. خ ۴۰ نهج البلاغه

غربی ها با « ۳ کلید واژه » افکار عمومی را می فریهند :

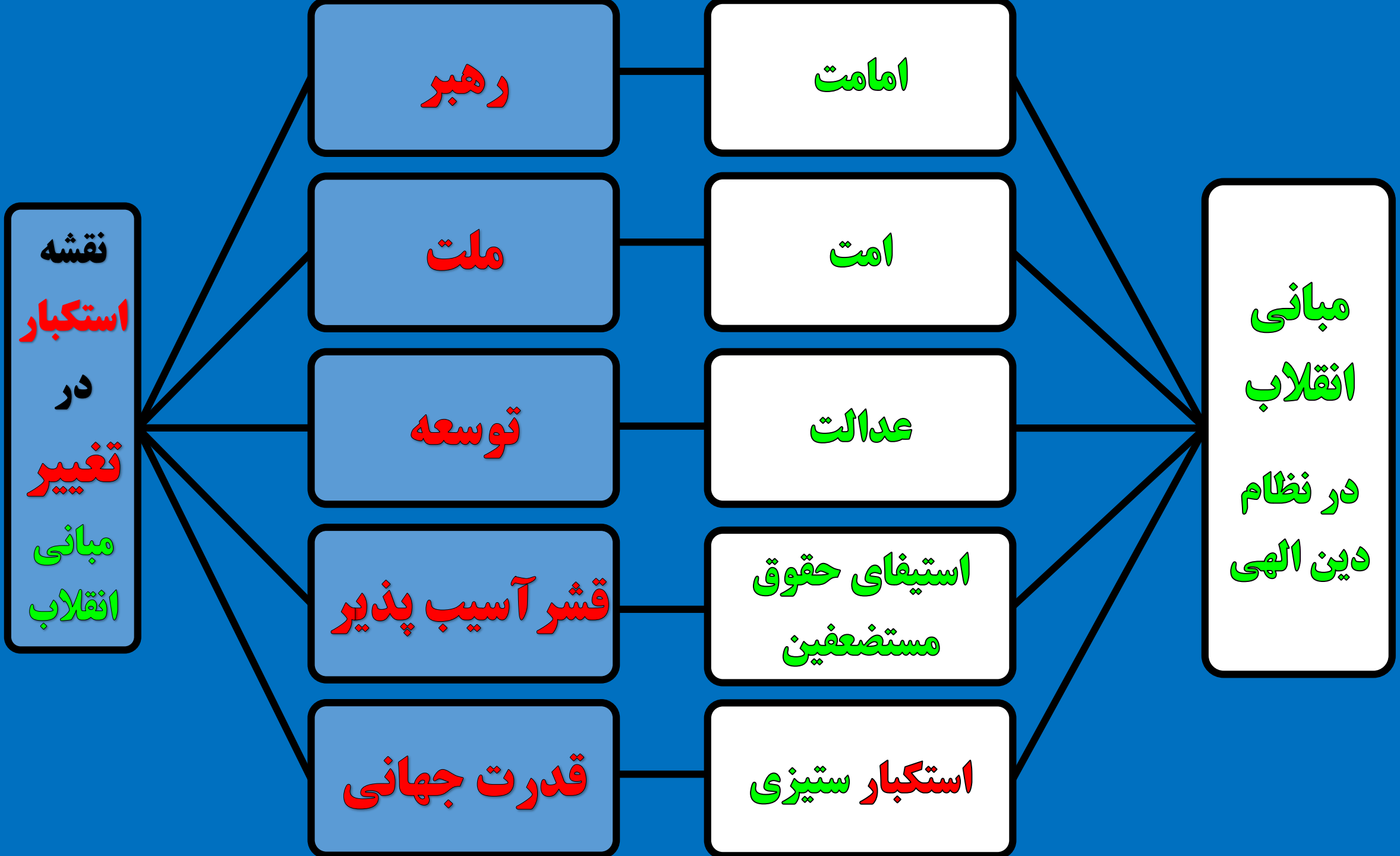
آزادی

کلید واژه های  
فریب

دموکراسی حقوق بشر



» ۵ کلید واژه میانی انقلاب «





سیستم جهان شمول اسلامی که در عرصه سیاست احیا شد:



امامت – امت

مہترین کلید واژه



«امامت محوری»



لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنْ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (زخرف: ٧٨)

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (المائدة: ٥٠)

تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ

سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (المائدة: ٨٠)

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُّوا عَلَى النَّفَاقِ

لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ

(التوبة: ١٠١)

## کلمه «امام»

شهریور سال ۱۳۵۸ در مجلس خبرگان قانون اساسی، شهید بهشتی کلمه امامت را در قانون اساسی گذاشت، ریاست آن مجلس با آقای ... بود. امام راحل (ره) به وی فرمود: «شما نمی توانی مجلس را اداره کنی، برو کنار، آقای بهشتی اداره کند» وقتی شهید بهشتی آمد اصل پنجم را مطرح کند که: «ولی فقیه نائب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و امام امت اسلامی است»؛ بزرگان اعلام استعفای دسته جمعی دولت را مطرح کرد. آقای امیر انتظام اعلام کرد که مجلس خبرگان قانون اساسی باید منحل شود؛ چون از چیزی که ما پیشنهاد دادیم در قانون اساسی بیاید فرا تر رفته؛ باید جلوی این قضیه گرفته شود. . . .



**تئوری غربی ها برای مقابله با سیستم امام و امت**



**« جهانی سازی یا جهانی شدن »**

**(دهکده جهانی)**

امروز هر روحانی و هر عمامه به سر

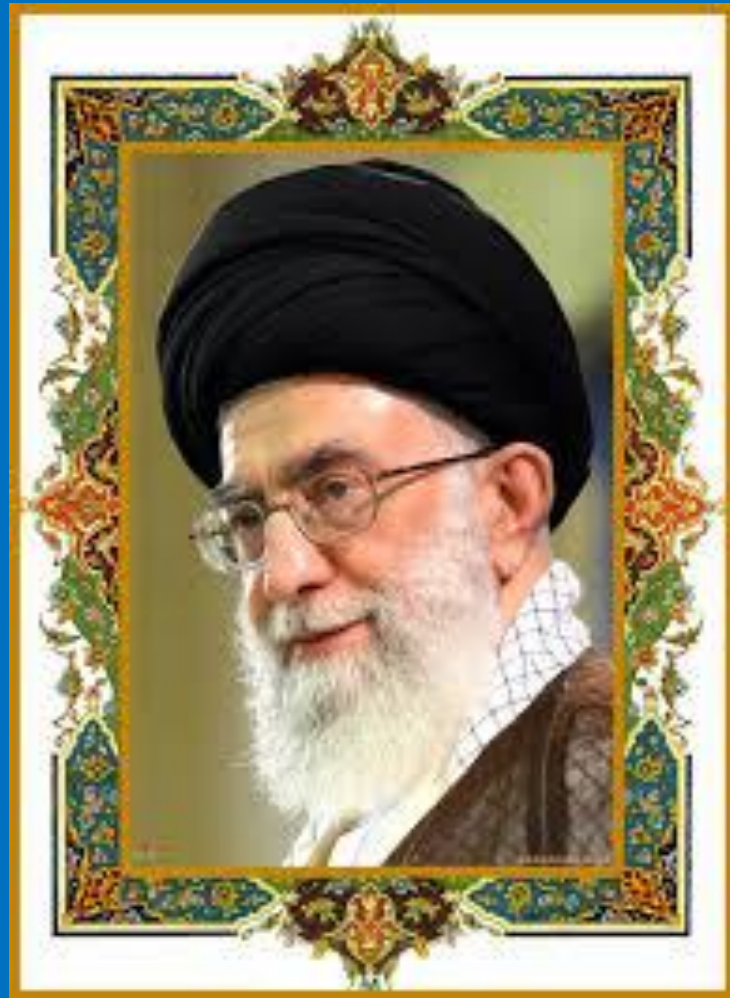
به مقتضای تلبس به این لباس

موظف است

از حکومت اسلام و حاکمیت قرآن دفاع کند

هر کس هر طور می تواند.

در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان ( ۷۰/۵/۳۰ )



من صحنه را می بینم، چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟! چه  
کار کند انسان؟!

من دارم می بینم صحنه را، می بینم تجهیز را ، می بینم  
صف آرائی ها را، می بینم دهان های با حقد و غضب  
گشوده شده و دندانه های با غیظ به هم فشرده شده علیه  
انقلاب و علیه امام و علیه همه ی این آرمانها و علیه  
همه ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند را، اینها  
را انسان دارد می بیند، خب چه کار کند؟

(۸۸ / ۶ / ۱۴)



# دو جمله در مخالفت با مبانی امام راحل !!

آقای پنج روز بعد از رحلت امام خمینی رحمت الله علیه در خطبه دوم<sup>س</sup> اولین نماز جمعه بعد

از رحلت ایشان در ۱۹ / ۳ / ۱۳۶۸ راجع به ولایت فقیه دو جمله گفت:

## جمله اول<sup>س</sup>:

«ما نمی خواهیم بعد از رحلت امام راحل (ره) به جانشین ایشان، امام بگوییم»

## جمله دوم<sup>س</sup> :

«مجلس خبرگان مرجع تقلید تعیین نکرده است»

یعنی جانشین امام راحل (ره) نه امام است و نه مرجع.  
با این دو جمله

دو بال امامت و مرجعیت ولی فقیه را خدشه دار کرد  
وقتی ایشان «امام» را به «رهبر»،  
«امّت» را به «ملت»  
تغییر داد

یعنی عملاً سیستم «ملت-دولت» یا «ملت-رهبر» انگلیسی ها را پذیرفتیم  
و سیستم «امامت-امّت» امام راحل را کنار گذاشتیم.

# چرا رسانه های غربی نمی گویند امام خمینی؟

این سوالی بود که در سال های اول انقلاب از یکی از **اساتید یهودی** پرسیده شد و این استاد در جواب گفت:  
ایشان سیستم **امامت-امت** را طراحی کردند

\* اگر ما از کلمه **امام** استفاده کنیم ایشان را در جهان **شاخص** می کنیم .

\* ما به جای **امام** از **رهبر** استفاده می کنیم که در غرب **بار منفی** دارد یعنی با این کلمه ما ایشان را در کنار موسولینی ، استالین و هیتلر قرار داده ایم .

\* همچنین با گفتن **امام** ، ایشان **امت اسلامی** می شود که مسلمانان جهان را حول محور رهبری خودش جمع می کند و **ما نمی گذاریم** این اتفاق بیفتد.

پذیرش سیستم «رهبر – ملّت» انگلیسی  
کنار گذاشتن سیستم «امامت – امت امام راحل

تغییر امام به رهبر

تغییر امت به ملّت

اثرات این دو جمله

وقتی «امت» شد «ملّت»، عناصر امت  
تبدیل شدند به عنصر «ملّت»، یعنی «  
شهروند» یعنی «هموطن»، «همشهری».



کلمه سوّم

« عدالت » به « توسعه »

تغییر و به نظام اسلامی تحمیل کرد.  
فرق عدالت و توسعه این بود که:

« توسعه »

صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و صهیونیست های عالم .

« عدالت »

خداوند و انبیاء

در عرصه بین المللی هم دو کلید واژه ی قرآنی

«مستکبرین» و «مستضعفین»

را تغییر دادند و گفتند :

«مستکبرین» فحش و توهین آمیز است به جایش بگوییم

« قدرت های جهانی »

وقتی گفتی «مستکبرین» باید با آنها «مبارزه و مقابله» کنی  
اما وقتی گفتی « قدرت های جهانی » باید با آنها «تعامل» کنی .

« مستضعفین » را هم گفتند: « قشر آسیب پذیر »

یعنی آدم های بی عرضه ای که خودشان پذیرای آسیبند.

با این تدبیر

پنج کلید واژه ی قرآنی **امام** راحل که  
اساس **گفتمان نهضت اسلامی** بود  
به همان کلید واژه هایی که  
**دشمنان** می خواستند **تغییر** کرد.



وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ

فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (غَافِرٌ ٥)

**امام قائد:**

متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار  
بی بصیرتی اند؛ نمی فهمند؛  
اصلاً ملتفت نیستند.

یک حرفی به نفع جبهه ای که همتش نابودی  
بنای جمهوری اسلامی است می زنند.

...این بی بصیرتی است. (۸۸/۵/۵)

من در میان شما باشم یا نباشم

به همه شما سفارش می کنم که نگذارید

**انقلاب به دست نا اهلان و نامحرمان ییفتد**

(امام راحل / صحیفه نور جلد ۲۱)

## امام قائد:

تجربه های اطراف ما در دنیای اسلام، پر از ناکامی کسانی است که نوکر و معاون و همراه **شیطان** شدند .

اما اینها تا وقتی برای آنها و سرمایه داران و شرکت هایی که پشتوانه آنها سیاستها هستند، مفیدند، مورد استفاده قرار می گیرند؛ بعد مثل سنگ استنجای شیطان – به قول مولوی – دورشان می اندازند.

( ۸۱/۱۰/۲۵ )



غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا ... كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا

اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (المائدة ٦٤)

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ

مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا

قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (المائدة ١٣)

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ  
(الشُّعْرَاءُ ٢٢٧)

قُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
(الْأَنْعَامُ ٤٥)



جریان شناسی

نقشه استکبار در تغییر

نظام انقلابی جمهوری اسلامی



نقشه

مهار

استحاله

تغییر

غریبی ها

نفوذ

مذاکره

هدف

راهبرد

راهکار

روش

ادغام

تعامل

رابطه

مذاکره

کلید

تغییر

بربر گراها

# مولفه های استحاله

## ۱. استحاله محتوایی:

عبور از انقلاب اسلامی به جمهوری اسلامی. یعنی انقلابیت نه جمهوریت بلکه

استحاله نظام اسلامی تغییر باطن و سیرت با حفظ صورت و ظاهر، تغییر انگیزه ها، شعارها معارف انقلابی و اهداف بزرگ انقلاب با این رویکرد محقق می شود.

**الف: ادامه انقلابی گری** سودی ندارد و باعث عقب ماندگی  
زبان حال این گفتمان

( فرهنگ انقلاب به معنای زبان اعتراض و درشت گویی و شعار نیست با شعار مشکلات اقتصادی و معیشتی

مردم و کشور حل نمی شود)



**ب: کم رنگ شدن هویت انقلابی**

( عقلانیت : در نظر گرفتن واقعیت های ایران و جامعه جهانی است )

**ج: حفظ برخی اصول و سیاستهای انقلابی مانع همزیستی مسالمت آمیز با نظم جهانی است.**

زبان حال این گفتمان ( **مبارزه** با قدرتهای بزرگ و دفاع از **مقاومت** مانع رشد اقتصادی )

## ۲. استحاله رفتاری

سازش با استکبار و تعامل با قدرتهای جهانی با این رویکرد محقق می شود:

الف: تخصیص زدایی ب: تنش زدایی ج: کاهش تنش

د: تعامل (هم زیستی و صلح با جامعه جهانی)

زبان حال این گفتمان

(رفع تحریم ها و حل مشکلات با تعامل و عدم برخورد خشن قابل حل است)

# مولفه های رابطه

۱. محیط بین المللی

۲. توسعه یافتگی

۳. هویت فرهنگی قوی

۴. فرهنگ جهادی آمادگی ادغام با فرهنگ جهانی ندارد.

۵. نهاد جمهوری اسلامی

۶. سیاست خارجی ایدئولوژیک دار مانع استفاده و بهره برداری از امکانات موجود جهانی است.

۷. نظم موجود جهانی براساس ساختار تعامل است و تقابل با این ساختار یک نوع پارادوکس رفتاری است.

(زبان حال این گفتمان چه کسی و در چه کتابی است)

# مولفه های ادغام و تعامل

۱. شاخص های توسعه گرایی حاکم بر جهان کنونی براساس راهبرد **تعامل** می باشد (**استحاله**)

۲. راهبرد انزوای گرایی مانع از توسعه می شود.

۳. نظام بین الملل در سطح دوجانبه، منطقه ای و بین المللی باید **هماهنگی** و **همسویی** کامل بین سیاست خارجی و الزامات توسعه اقتصادی برقرار شود. (زبان حال: سایت همشهری آنلاین/۱۰/۱۲/۸۷) [ یعنی سیاست خارجی ایدئولوژیک دار که همان دفاع از **مقاومت** و **مبارزه** با استکبار است مانع این توسعه اقتصادی می باشد ]

[ **گفتمان انقلابی امام خامنه ای سیاست خارجی ایدئولوژیک دار**  
**مانع استفاده از منابع و منافع جهانی نیست** ]

# لوازم عینیت بخشی به سیاست خارجی توسعه گرا

۱. تناسب آرمان‌ها با امکانات و مقدرات : برای کسب موفقیت در عرصه سیاست خارجی الزاماً آرمان‌ها باید با توجه به امکانات و مقدرات محیطی و ساختاری مورد توجه قرار گیرند .
۲. انتخاب گفتمان مناسب در بیان و پیگیری آرمان‌ها و ایده‌ها: زبان همواره باید در خدمت ایده و آرمان باشد و نه اینکه به حصار برای آن تبدیل شود .
۳. گریز از خاص بودن: هرچند هر موجود زنده‌ای فی‌حد ذاته منحصر به فرد است اما تاکید بیش از اندازه بر خاص بودن و یگانه بودن می‌تواند تکبر را به دنبال داشته باشد. به علاوه این امر موجب واکنش کشورهای دیگر خواهد شد و یا حداقل آنها را در تعامل دچار تردید و عدم اعتماد خواهد کرد .



**۴. توجه به عرف و هنجارهای بین‌المللی:** در وضعیت جدید جهانی تعریفی که کشورها از خود ارائه می‌دهند نباید در چالش با هنجارهای مسلط بین‌المللی باشد.

**۵. پیگیری اهداف از طریق اقناع جمعی و مجموعه‌سازی:** در شرایط جدید، کشورها از طریق اقدام انفرادی موفقیت قابل توجهی در سیاست خارجی کسب نمی‌کنند.

**۶. تاکید بر فرهنگ چانه‌زنی در پیگیری اهداف ملی:** به رغم برخی شدت عمل‌ها، نظام بین‌المللی موجود از ظرفیت بالایی برای چانه‌زنی و حل‌وفصل مشکلات از طریق مذاکره و گفت‌وگو برخوردار است.

**۷. مشارکت در ایجاد و هدایت فرایندهای منطقه‌ای:** با توجه به اینکه فرایندهای منطقه‌ای متناسب با نیازهای منطقه‌ای شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند بنابراین کناره‌گیری از مشارکت در این فرایندها به نادیده گرفتن منافع ملی منجر می‌شود.



**۸. کوشش در جهت از بین بردن تصویر امنیتی:** در شرایط جدید، کشورهایی که به هر دلیلی تهدید تلقی شده یا یک تصویر امنیتی از خود

بروز می‌دهند، نمی‌توانند اهداف خود را به نحو مطلوبی در نظام بین‌المللی پیش ببرند.

**۹. ضرورت تعامل با اقتصاد جهانی برای تحقق توسعه:** از آنجا که در جهان جدید تحقق توسعه در واحدهای ملی از طریق تعامل سازنده با

اقتصاد جهانی سهل‌تر و سریع‌تر است هر دولتی که توسعه را به عنوان یک ضرورت و یک هدف در سیاست خارجی خود پذیرفته است باید با

عناصر اقتصاد جهانی تعامل سازنده و فعالی برقرار کند.

**۱۰. تغییر روابط کشور با کانون‌های قدرت بین‌المللی از مخاصمه و تقابل به همکاری و رقابت:** مطمئناً این امر به منزله پذیرش

بی‌چون و چرای مطالبات و اهداف قدرت‌های بزرگ در قبال کشور نیست، بلکه معطوف به چگونگی مدیریت و گزینش نوع قواعد بازی،

متناسب با اهداف تعریف و تعیین شده در چشم‌انداز ۲۰ ساله است.

**۱۱. ضرورت اجتناب از رویکرد تقابلی و مخاصمه‌آمیز:** اتخاذ رویکرد مخاصمه‌آمیز نسبت به روندها و فرایندهای جهانی در شرایط موجود نه تنها

منجر به تغییر و دگرگونی آنها نخواهد شد بلکه کشوری که این‌گونه رویکردها را مدنظر قرار دهد در معادلات جهانی منزوی یا طرد خواهد

شد.



**۱۲. ضرورت توجه به حوزه‌های فرهنگی – تمدنی:** کشورهایی که دارای حوزه‌های فرهنگی – تمدنی هستند بیش از کشورهایی که فاقد این حوزه‌ها هستند، از امکان تعامل منطقه‌ای و تاثیرگذاری جهانی برخوردار هستند .

**۱۳. ارائه تعریف جمعی از خود در محیط بین‌المللی:** هر کشور برای رسیدن به اهداف ملی خود، نیازمند همکاری و مشارکت جامعه بین‌المللی است. لازمه ایجاد این همکاری، ارائه تعریف جمعی یا به عبارت بهتر ارائه تصویری از خود به عنوان جزئی از پیکره جهانی است .

**۱۴. استفاده بهینه، بخردانه و کارآمد از ادبیات و زبان در سیاست بین‌الملل:** بهره‌گیری از زبان و ادبیات در سیاست بین‌الملل، پیش‌شرطی حیاتی برای ارائه تصویری مطلوب به محیط بین‌المللی است تا در پرتو آن بتوان به اهداف ملی دست یافت .





دیدار سفرا و مسئولان وزارت امور خارجه  
با رهبر انقلاب

وزارت امور خارجه  
جمهوری اسلامی ایران



ایدئولوژی به دنبال تأمین و  
حفظ منافع ملی است و هویت  
یک ملت محسوب می شود.  
۹۷/۰۴/۳۰



آمریکایی‌ها در سخنان خود بارها از عبارت

«ارزش‌های آمریکایی» استفاده می‌کنند که همان ایدئولوژی آن‌ها

و برگرفته از اعلامیه‌ی استقلال آمریکا است

و در کشورهای اروپایی نیز تفکرات ایدئولوژیک بر رفتار و

فعالیت‌های سیاسی آن‌ها حاکم است.



IN CONGRESS, JULY 4, 1776.

# The unanimous Declaration of the thirteen united States of America.

When in the Course of human events, it becomes necessary for one people to dissolve the political bands which have connected them with another, and to assume among the powers of the earth, the separate and equal station to which the Laws of Nature and of Nature's God entitle them, a decent respect to the opinions of mankind requires that they should declare the causes which impel them to this separation. — We hold these truths to be self-evident, that all men are created equal, that they are endowed by their Creator with certain unalienable Rights, that among these are Life, Liberty and the pursuit of Happiness. — That to secure these rights, Governments are instituted among Men, deriving their just powers from the consent of the governed, — That whenever any Form of Government becomes destructive of these ends, it is the Right of the People to alter or to abolish it, and to institute new Government, laying its foundation on such principles and organizing its powers in such form, as to them shall seem most likely to effect their Safety and Happiness. — Prudence, indeed, will dictate that Governments long established should not be changed for light and transient causes; and accordingly all experience hath shewn, that mankind are more disposed to suffer, while evils are sufferable, than to right themselves by abolishing the forms to which they are accustomed. But when a long train of abuses and usurpations, pursuing invariably the same Object evinces a design to reduce them under absolute Despotism, it is their right, it is their duty, to throw off such Government, and to provide new Guards for their future security. — Such has been the patient sufferance of these Colonies; and such is now the necessity which constrains them to alter their former Systems of Government. — The history of the present King of Great Britain is a history of repeated injuries and usurpations, all having in direct object the establishment of an absolute Tyranny over these States. — To prove this, let Facts be submitted to a candid world. — He has refused his assent to Laws, the most wholesome and necessary for the public good. — He has forbidden his Governors to pass Laws of immediate and pressing importance, unless suspended in their operation till his assent should be obtained; and when so suspended, he has utterly neglected to attend to them. — He has refused to pass other Laws for the accommodation of large districts of people, unless those people would relinquish the right of Representation in the Legislature, a right inestimable to them and pernicious to tyrants only. — He has called together legislative Bodies at places unusual, uncomfortable, and distant from the depository of their public Records, for the sole purpose of fatiguing them into compliance with his measures. — He has dissolved Representative Houses repeatedly, for opposing with manly firmness his invasions on the rights of the people. — He has refused for a long time, after such Dissolutions, to cause others to be elected; whereby the Legislative powers, incapable of Annihilation, have returned to the People at large for their exercise, the State remaining in the mean time exposed to all the dangers of invasion from without, and convulsions within. — He has endeavoured to prevent the Population of these States, for that purpose obstructing the Law for Naturalization of Foreigners; refusing to pass others to encourage their migrations hither, and raising the conditions of new Appropriations of Lands. — He has obstructed the Administration of Justice, by refusing his assent to Laws for establishing judiciary powers. — He has made Judges dependent on his Will alone, for the tenure of their offices, and the amount and payment of their salaries. — He has erected a multitude of New Offices, and sent hither swarms of Officers to harass our people, and eat out their substance. — He has kept among us, in Times of peace, standing Armies without the Consent of our Legislatures. — He has affected to render the Military independent of and superior to the Civil power. — He has combined with others to subject us to a jurisdiction foreign to our constitution, and unacknowledged by our laws; giving his assent to their Acts of pretended Legislation: — For quartering large bodies of armed troops among us: — For protecting them, by a mock Trial, from punishment for any Murders which they should commit on the Inhabitants of these States: — For cutting off our Trade with all parts of the world: — For imposing Taxes on us without our Consent: — For depriving us in many cases, of the benefits of Trial by jury: — For transporting us beyond Seas to be tried for pretended offences: — For abolishing the free System of English Laws in a neighbouring Province, establishing therein an Arbitrary government, and enlarging its Boundaries so as to render it at once an example and fit instrument for introducing the same absolute rule into these Colonies: — For taking away our Charters, abolishing our most valuable Laws, and altering fundamentally the Forms of our Governments: — For suspending our own Legislatures, and declaring themselves invested with power to legislate for us in all cases whatsoever. — He has abdicated Government here, by declaring us out of his Protection and waging War against us. — He has plundered our seas, ravaged our Coasts, burnt our towns, and destroyed the lives of our people. — He is at this time transporting large Armies of foreign Mercenaries to complete the works of death, desolation and tyranny, already begun with circumstances of Cruelty & perfidy scarcely paralleled in the most barbarous ages, and totally unworthy the Head of a civilized nation. — He has constrained our fellow Citizens taken Captive on the high Seas to bear Arms against their Country, to become the executioners of their friends and Brethren, or to fall themselves by their Hands. — He has excited domestic insurrections amongst us, and has endeavoured to bring on the inhabitants of our frontiers, the merciless Indian Savages, whose known rule of warfare, is an undistinguished destruction of all ages, sexes and conditions. — In every stage of these Oppressions We have Petitioned for Redress in the most humble terms: — Our repeated Petitions have been answered by repeated injury. — A Prince, whose character is thus marked by every act which may define a Tyrant, is unfit to be the ruler of a free people. — Nor have We been wanting in attentions to our British brethren. We have warned them from time to time of attempts by their Legislature to extend an unwarrantable Jurisdiction over us. We have reminded them of the circumstances of our emigration and settlement here. We have appealed to their native justice and magnanimity, and we have convinced them by the ties of our common kindred to disavow these usurpations, which, would inevitably interrupt our connections and correspondence. They too have been deaf to the voice of justice and of consanguinity. We must, therefore, acquiesce in the necessity, which denounces our Separation, and hold them, as we hold the rest of mankind, Enemies in War, in Peace Friends. — We, therefore, the Representatives of the united States of America, in General Congress, Assembled, appealing to the Supreme Judge of the world for the rectitude of our intentions, do, in the Name and by authority of the good People of these Colonies, solemnly publish and declare, That these United Colonies are, and of Right ought to be, Free and Independent States; that they are absolved from all Allegiance to the British Crown, and that all political connection between them and the State of Great Britain, is and ought to be totally dissolved; and that as Free and Independent States, they have full Power to lay War, conclude Peace, contract Alliance, establish Commerce, and to do all other Acts and Things which Independent States may of right do. — And for the support of this Declaration, with a firm reliance on the protection of divine Providence, we mutually pledge to each other our Lives, our Fortunes and our sacred Honor.

Bullett, Gwinnett,  
Lynch, Hall,  
Geo. Walton.

John Hooper  
Joseph Bevier,  
John Deane

Edward Rutledge,

Thos. Heyward, Junr.  
Thomas Lynch, Junr.  
Arthur Middleton

George Wythe  
Richard Henry Lee  
Th. Jefferson  
Wm. Harrison  
Thos. Nelson, Jr.  
Samuel Braxton

John Hancock  
Samuel Adams  
Wm. Paine  
Thos. Stone  
Caleb Bingham

John Morris  
James Smith  
Benj. Franklin  
John Morton  
Geo. Taylor

James Wilson  
Robt. R. Livingston  
John Jay  
John Adams  
John Hancock

John Jay  
John Adams  
John Hancock  
John Jay  
John Adams

John Jay  
John Adams  
John Hancock  
John Jay  
John Adams

John Jay  
John Adams  
John Hancock  
John Jay  
John Adams

John Jay  
John Adams  
John Hancock  
John Jay  
John Adams

John Jay  
John Adams  
John Hancock  
John Jay  
John Adams



## دو بند از اعلامیه استقلال آمریکا

بنا بر قوانین طبیعت، مردم حق دارند که استقلال سیاسی خود را امری مسلم فرض کنند و تصدیق می‌کند که زمینه‌های اتخاذ چنین تصمیمی می‌بایست عقلانی و منطقی باشد و صریحاً بیان شوند و به افکار عمومی توضیح داده شوند.// آنگاه که در گذار رخدادهای انسانی مردمی ناگزیر می‌شوند رشته‌های سیاسی‌ای را که آن‌ها را با مردمی دیگر پیوند داده‌است بگسلند و برای خود در میان قدرت‌های روی زمین جایگاهی جداگانه و برابر بیابند که قوانین طبیعت و خدای طبیعت آن‌ها را سزاوار آن دانسته‌است،

احترام شایسته به افکار عمومی بشریت ایجاب می‌کند که آن‌ها عللی را که آن‌ها را به جدایی و امی دارد اعلام کنند! // «حق انقلاب» می‌گویند: مردم حقوق مسلم و معینی دارند و هنگامی که حکومتی به این حقوق تعدی و تجاوز کند، مردم حق دارند که آن حکومت را «تغییر دهند یا براندازند»// ما این حقایق را بدیهی می‌انگاریم که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و آفریدگارشان حقوق سلب‌ناشدنی معینی به آن‌ها اعطا کرده‌است، که حق زندگی، آزادی، و جستجوی خوشبختی از جمله آن‌هاست، و اینکه برای تضمین این حقوق، حکومت‌هایی در میان انسان‌ها برپا می‌شوند که اختیارات بحق خود را از رضایت حکومت‌شوندگان کسب می‌کنند، و اینکه هرگاه هر شکلی از حکومت پایمال‌کننده این هدف‌ها شود، حق مردم است که آن‌ها را تغییر دهند یا براندازند و حکومت تازه‌ای بر پا دارند و بنیان آن را بر چنان اصولی بگذارند و قوای آن را به چنان صورتی سازمان دهند که بیشتر از همه به نظرشان محتمل می‌رسد که به امنیت و سعادتشان بینجامد.

البته دوران‌دیشی حکم می‌کند که حکومت‌هایی که مدت‌هاست استقرار یافته‌اند به دلایل جزئی و زودگذر تغییر داده نشوند؛ و از همین رو تمام تجربیات نشان داده‌است که انسان‌ها بیشتر راغب‌اند، هرگاه بدی‌ها تحمل‌پذیر است، آن‌ها را تحمل کنند تا اینکه با برانداختن آشکالی که به آن‌ها خو گرفته‌اند وضع خود را اصلاح کنند. اما هرگاه رشته دراز سوء رفتارها و زورستانی‌ها پیوسته به همان سیاق ادامه یافت و از قصد کشاندن آن‌ها به زیر یوغ استبداد مطلقه حکایت داشت، حق آن‌ها، [بلکه] وظیفه آن‌هاست که چنین حکومتی را کنار بگذارند و برای امنیت آینده خود پاسداران تازه‌ای بگمارند! //



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران





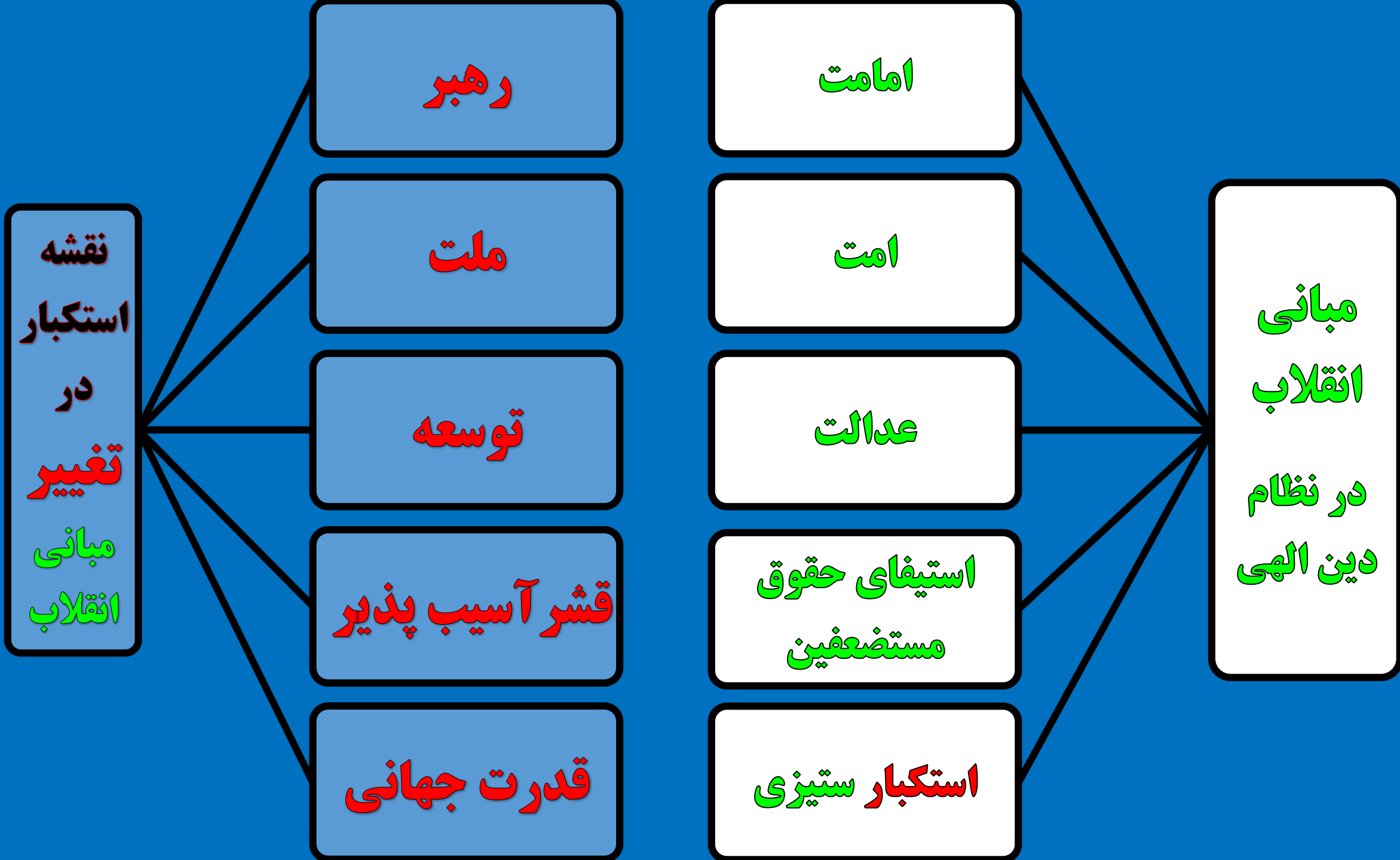
# نقشه تغییر نظام استکباری

۱. مبانی قرآنی انقلاب اسلامی

۲. نگاه امامین انقلاب در بحث نفوذ و استکبار

۳. شعار انقلابی نه شرقی و نه غربی

هویت انقلابی : امامت محور / امت گرا / عدالت گستر / استیفای حقوق مستضعفین  
/ استکبار ستیزی





## رهبر سیاسی

(۱. موسولینی ۲. هیتلر ۳. استالین

۴. لینن ۵. مائو تسه تونگ

۶. قذافی)

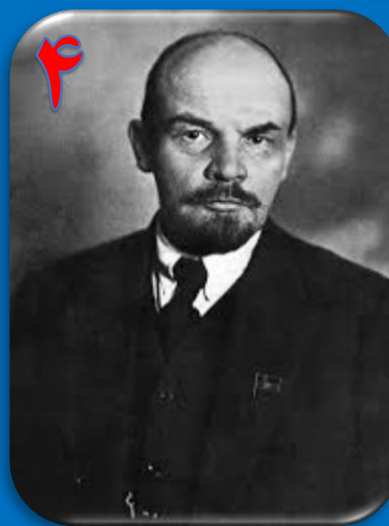
رهبر

نقشه

استکبار در

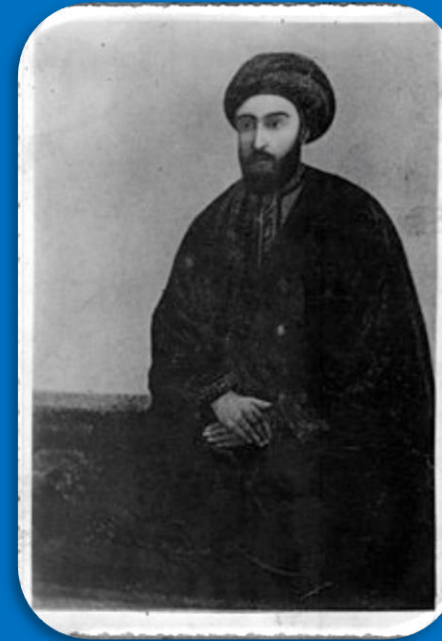
تغییر مبانی

انقلاب

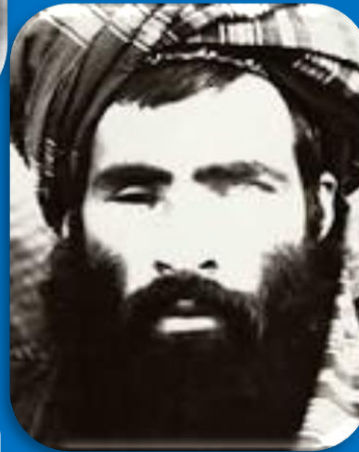




ابوبکر البغدادی



سید علی محمد باب



ملاعمر

میرزا احسنعلی نوری محمدعلی بهاء

نقشه

استکبار

در تغییر

مبانی

انقلاب

رهبر مذهبی

در اهل سنت ۱. طالبان ۲. داعش

در شیعه ۱. بایه ۲. بهائیه

رهبر

حقوق شهروندی

حقوق بشر

ملت

نقشه

استکبار

در تغییر

مبانی

انقلاب





# داستان یک پرچم





۱۱

ترور شهدای هسته ای

روزنامه ترور  
شهدای هسته ای  
نماد جنایات و  
خسومت  
همیشگی آمریکا  
علیه جمهوری  
اسلامی ایران

۵

قربانیان بمباران شیمیایی حلبچه

۲۵ اسفند ۱۳۶۶

اقدام غیرانسانی صدام و رژیم بعث عراق در استفاده از مپهای شیمیایی علیه مردم مظلوم و بی پناه مناطق کردنشین از جمله شهر حلبچه

۳

سرخوستان

تا قبل از ورود اروپاییان به قاره آمریکا، سرخپوستان از نظر شرایط اقتصادی منطقه به منطقه طوایف اما از نظر نظام اجتماعی و فرهنگی بسیار پیشرفته بودند. اروپاییان پس از ورود به قاره آمریکا طوایف استقلال و پنازیی سرخ پوستان از آلمان دست درازی به برهمنین و کشتار انعام برخ پوست را با هدف گسترش شهرک های صلیب پوست نشین آغاز کردند. اروپاییان برای از بین بردن ساکنان اصلی قاره آمریکا، بی رحمانه از روش های کوارگون بهره داری، گرسنگی، کوچ مجب، صلبه و قمار استفاده کردند.

۲

مظلوم فلسطینی

۱

محمدالدوره فلسطینی

۳۰ سپتامبر ۲۰۰۰

۷

آیلان

۲ سپتامبر ۲۰۱۵

پسر بچه سوری که در سال ۲۰۱۵ در دریای مدیترانه غرق شد. وی یکی از آواره‌های جنگ سوریه بود که جسدش را آب‌های دریا به ساحل آوردند؛ و عکس گرفته شده از جسد وی موجی از واکنش‌ها را در دنیا برانگیخت.



۴

زن و مرد افغان

۱۲ هزار نفر غیرنظامی، در جریان عملیات مستقیم نیروهای آمریکایی در افغانستان کشته شده اند

۸

نوجوانان انتفاضه فلسطین

۸ دسامبر ۱۹۸۷

آغاز انتفاضه اول ملت فلسطین علیه اشغال سرزمینشان توسط ارتش رژیم صهیونیستی. انتفاضه به عنوان یک جنبش و حرکت مردمی مؤثر، الگویی برای مظلومان جهان است که ایستادگی توده های سنگ به دست فلسطینی در برابر سربازان تا بین دندان مسلح اسرائیلی را تصویر می کند و نوجوان فلسطینی به عنوان نماد مقاومت فلسطینیان در برابر اشغال و تجاوز توسط رژیم جعلی اسرائیل است در یک قرن گذشته از تاریخ فلسطین چندین انتفاضه و قیام مردمی رخ داده است.

۱۴

مرد عرب

مرد عرب، نماد جنگ آمریکا در عراق و سوریه و اشغالگری ها و دخالت های آمریکایی ها در کشورهای عربی

۱۳

سیاه پوستان

یکی از گروه هایی که بیشترین ظلم و جنایت در حقشان روا داشته شده، سیاهپوستان هستند. هر ۲۸ ساعت یک سیاهپوست در آمریکا کشته می شود که اخبار بسیاری از آن ها در رسانه های این کشور منتشر می شود. علاوه بر این جنایات گسترده ای در حق سیاهپوستان قاره آفریقا نیز با مشارکت و دخالت مستقیم آمریکا صورت گرفته.

۱۰

بمباران اقی

آگوست ۱۹۴۵ میلادی و در جریان جنگ جهانی دوم دو عملیات اقی به فاصله ۳ روز علیه ژاپن به دستور هری ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا حدود ۲۲۰،۰۰۰ نفر در اثر این دو بمباران اقی جان باختند که بیشتر آنان را شهروندان غیرنظامی تشکیل می دادند. بیش از ۱۰۰،۰۰۰ نفر بلافاصله هنگام بمباران کشته شدند و بقیه تا پایان سال ۱۹۴۵ بخاطر اثرات مخرب تشعشعات رادیواکتیو جان خود را از دست دادند. هنوز هم نسل مردم این شهر دچار ناهنجاریهای فراوان و انواع بیماریها هستند...

۹

راشل کوری

۱۶ مارس ۲۰۰۳

اقدام وحشیانه ارتش رژیم صهیونیستی در به شهادت رساندن جوان ۲۳ ساله آمریکایی اهل واشینگتن و فعال صلح که برای حمایت از مظلومان فلسطینی راهی نوار غزه شده بود. راشل کوری که کاور نازنجی فلورست به تن داشت تا به راحتی دیده شود، سر راه بولدوزر ارتش رژیم صهیونیستی ایستاد تا از تخریب خانه یک داروساز فلسطینی به نام "اسیر نمراله" جلوگیری کند اما... بولدوزر اسرائیلی با عبور از روی راشل چمجه او را شکست، دنده‌های او را خرد و ریه‌های او را سوراخ کرد. اما کوری این کالی نبود، راننده بدون آن که تیغه بولدوزر را بالا ببرد، دنده عقب گرفت و برای بار دوم از روی بدن راشل رد شد...



نگاه به بانک جهانی  
/ کشورهای جهان اول و دوم  
و سوم / نگاه برون گرایی

توسعه

نقشه  
استکبار  
در  
تغییر  
مبانی  
انقلاب









**نگاه طبقاتی / دولتها و حکومتها**

**نسبت به حمایت و کمک نه**

**نقشی و نه وظایفی دارند.**

**قشر**

**آسیب**

**پذیر**

**نقشه استکبار**

**در تغییر**

**مبانی انقلاب**



**هنری کسینجر: «ایده تسلط بر جهان بخشی از دی ان ای سیاست خارجی آمریکا است.»**

سازمان پیمان آتلانتیک  
شمالی ناتو / سازمان ملل  
تعامل در مقابل مبارزه و  
مقاومت

قدرت جهانی

نقشه  
استکبار در  
تغییر مبانی  
انقلاب



# فلسفه قیام و ایجاد حکومت چیست؟ نهج البلاغه خ ۱۳۸

## اصلاح امت:

أَنِي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ  
لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي

بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۲۹

## احیای سنت:

أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ / بحار الانوار ج ۴۴ ص ۳۴۰

## اجرای سنت:

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا ص عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ لِيُنْفَذَ أَمْرَهُ / نهج البلاغه خ ۸۳